

ویژه نامه شماره ۴

مصاحبه مجله ماها
با
چهار لژبین تهرانی



سال اول
شماره ۸
مرداد ماه ۱۳۸۴

مصاحبه مجله ماها با چهار لزبین تهرانی

پای صحبت لزبین ها و شنیدن مسائل، مشکلات، امیال و
آرزوهای آنان از زبان خودشان

ویژه نامه شماره ۴ ماها - مجله الکترونیکی همجنسگرایان ایران
سال اول - شماره ۸ - مرداد ماه ۱۳۸۴

○ با تشکر از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید. لطفا کمی از خودتان بگویید(سن. شغل. وضعیت تحصیلی)؟

- من ۲۳ سال دارم. دارای مدرک لیسانس علوم سیاسی و در حال حاضر جویای کار هستم.
- من س.خ، ۲۲ ساله و دانشجوی گرافیک رایانه هستم.
- س.ت، ۲۱ سال دارم و دانشجوی رشته ی زبان انگلیسی هستم.
- ش.ه، ۲۰ سال دارم و دانشجوی مدیریت هستم.

○ از چه زمانی متوجه احساس گرایش نسبت به همجنس خود شدید؟ آیا زمان یا اتفاق و یا شخص خاصی را مسبب بوجود آمدن این حس میدانید؟

- تقریبا از اوایل دوران دبستان. در آن زمان دوستی داشتم که زنگ های تفریح با هم سر به سر دخترها می گذاشتیم.
- این حس از دوران کودکی در من بود و کسی را مسبب به وجود آمدن آن نمی دانم.
- حدود یک سال پیش من متوجه شدم که می توانم همجنس خود را به عنوان شریک زندگی بپذیرم و مسبب آن نزدیکترین دوستم بود.
- من از زمانی که خودم را شناختم این حس در من بود و چون بیشتر با پسر های فامیل دوست بودم بیشتر به سمت دختر گرایش پیدا کردم.

○ آیا بعد از آگاهی از این گرایش در وجود خود احساس گناه کردید و آیا تا بحال به خاطر همجنسگرایی خود احساس سرخوردگی کرده اید؟
همجنسگرایی شما در اعتماد به نفستان چه تاثیری گذاشته است؟

- تا یک مدت بله، احساس گناه می کردم اما هیچگاه احساس سرخوردگی نکردم. با وجود اینکه همجنسگرایی من در اعتماد به نفسم چندان تاثیری نگذاشته اما همیشه سعی کردم آن را پنهان کنم.
- خیر، به هیچ عنوان نه احساس گناه کردم و نه سرخوردگی. این رابطه نیز مانند بقیه ی ارتباط ها هست و طبیعتا دلیلی ندارد که در اعتماد به نفسم تا ثیری بگذارد.
- احساس من در مورد همجنسگرایی یک حس ناشناخته و یا منفی نبود ولی در کل قبول این موضوع برایم کمی عجیب بود. اعتماد به نفس من در کل هیچ گاه بالا نبوده است.
- به هیچ وجه، هیچ حس بدی در هیچ زمانی در من نبوده است. من همواره همان خاکم که بودم!

○ کی و چطور شد که با مجله ماهها آشنا شدید و نظرتان در باره آن چیست؟

- از طریق یکی از دوستانم با این مجله آشنا شدم. مجله ی خیلی خوبی است ولی برخی مواقع احساس غمگینی می کنم، چون این مجله من را به فکر فرو می برد و این باعث می شود که فاصله ها را بیشتر حس کنم و اینکه چرا نمی توانیم بیشتر و راحت تر با هم ارتباط داشته باشیم.
- از طریق سازمان همجنسگرایان ایرانی که در آن خبر به راه افتادن مجله را داده بودند. مجله بسیار کامل است ولی متاسفانه هنوز فرصت نکرده ام که تمام شماره های مجله را بخوانم، ولی حتما این کار را خواهم کرد.
- از طریق یکی از دوستانم. فقط به راه انداختن همچین مجله ای جدا از مطالب آن کار بسیار بزرگی است و مسلما نظر من در این رابطه مثبت است.
- حدود دو ماه است که با مجله ماهها آشنا شدم. یکی از دوستانم این مجله را به من معرفی کرد و به نظرم مجله ی بسیار جامعی است.

○ رفتار شما با همجنسان خود در جامعه چگونه است؟ با جنس مخالفتان چطور؟

- بهتر است بگویم به خانم ها به عنوان جنس مخالف نگاه می کنم تا آقایان، و به شدت به آنها احترام می گذارم. ولی با آقایان بیشتر رابطه ی دوستانه دارم.
- با جنس مخالف کاملا عادی هستم و با جنس موافق هم تا زمانی که احساسی بین ما نباشد همینطورم.
- با هر دو جنس کاملا عادی و دوستانه برخورد می کنم.
- مسلما با جنس موافق بسیار لطیف تر برخورد میکنم، و با جنس مخالف کمابیش خشن هستم.

○ آیا خانواده ی شما از همجنسگرا بودن شما آگاهی دارند؟ در صورت مثبت بودن جواب از نحوه ی آگاهی آنها بگوئید و اینکه عکس العمل آنان در مورد گرایش شما چه بود؟ اگر جواب منفی است آیا قصد آگاه کردنشان را دارید یا خیر؟ عکس العمل احتمالی آنان را چگونه پیش بینی می کنید؟ به غیر از خانواده آیا کسی از دوستان و آشنایان از موضوع همجنسگرا بودن شما آگاهی دارند؟ به طور کلی آیا در میان گذاشتن گرایش جنسی خود با خانواده و نزدیکان را ضروری می دانید؟

- مادرم از همجنسگرا بودن من اطلاع دارد، اما گویا از باور این موضوع می ترسد و عکس العملش در مقابل این موضوع بسیار بد بوده و هست. من به هیچ وجه قصد علنی کردن همجنسگرایی خود را ندارم چون فکر می کنم خانواده ی من احمق تر از آن هستند که بخواهند من را قبول داشته باشند. فکر میکنم اگر روزی این موضوع را علنی کنم آنها به شدت افسوس از دست رفتن جوانشان را بخورند. از دوستان هم بله، دوست صمیمی من در دانشگاه که یک دختر دگرجنسگراست از همجنسگرا بودن من اطلاع دارد. در کل فکر نمی کنم لزومی به در میان گذاشتن احساسم با کسی داشته باشم، چون مسائل من به کسی ربطی ندارد.

- خانواده ی من نه از گرایش من آگاهی دارند و نه لزومی می بینم که با آنها در میان بگذارم. ولی اگر روزی بفهمند احتمالا بهت زده خواهند شد. اکثر دوستان من همجنسگرا هستند و دوستان دگرجنسگرای من هم کمابیش از احساساتم آگاهند، و در کل این موضوع کاملا شخصی است و مطرح کردن آن لزومی ندارد.

- خیر خانواده ی من آگاهی ندارند و عکس العمل آنها ممکن است با تعجب باشد. دوستان من به جز دوستان همجنسگرایم از این موضوع بی اطلاعند. و بله، در میان گذاشتن احساسم را مخصوصا با خانواده ضروری میدانم اما نه در موقعیت فعلی.

- بله آگاهی دارند ولی به روی خودشان نمی آورند. نحوه ی آگاهی آنها می تواند ظاهر من و دوستان اطرافم یا عشقم باشد. عکس العمل آنها قابل پیش بینی نیست. از دیگران هم خواهرم از همجنسگرایی من اطلاع دارد و چون می دانم که دیگران نمی توانند این موضوع را بپذیرند، من هم گرایشم را با آنها در میان نخواهم گذاشت.

○ فکر می کنید به جز تفاوت در گرایش جنسیتان با دخترهای دگرجنسگرا، فرق دیگری نیز با آنها داشته باشید؟ به بیان دیگر، همجنسگرایی شما چه ابعدی از شما و شخصیتتان را تحت تاثیر قرار داده است؟

- بله، بسیار فرق دارم و بزرگترین فرق آن است که بر عکس همجنسان خودم از نظر احساسی طرف را تغذیه می کم تا آنکه کسی من را تغذیه ی احساسی کند و فکر می کنم گرایش من در همه ی مسیر زندگیم نقش داشته است.

- بله، به این دلیل که رفتار و خصوصیات اخلاقی من بیشتر مانند پسرهاست تا دخترها. تقریباً همه ی زندگی من تحت تاثیر گرایشم است، چون تفکر من تحت تاثیر گرایشم است.
- خیر، هیچ فرق دیگری ندارم. در حال حاضر که گرایشم تمام ابعاد زندگیم را تحت تاثیر قرار داده است.
- بله چون ظاهر من بیشتر پسرونه است. همه ی ابعاد من چه درون و باطنم و چه ظاهر من تحت تاثیر همجنسگرایی من است.

○ شاید در کشورهای دیگر بتوان لزیبن ها را از طرز پوششان تشخیص داد، اما در ایران به دلیل طرز پوشش یکسان زنان، شناختن لزیبن ها کمی دشوار خواهد بود. فکر می کنید پوشش اکثر لزیبن ها در ایران چگونه است؟ آیا خود شما معیار خاصی برای تشخیص لزیبن ها دارید؟

- طرز راه رفتن و رفتار آنها و اینکه اکثر آنها بدون آرایش هستند. البته قابل ذکر است که مشخص کردن افراد فاعل به مراتب آسان تر از مفعولان است.
- اکثر آنها موهای کوتاه دارند.
- از طریق موی کوتاه می توان تا حدی بعضی از آنها را شناخت، ولی این دلیل کافی و جامعی نیست و همجنسگرایان هم مثل همه ی انسان ها خیلی متفاوتند.
- معیار دقیقی وجود ندارد. خیلی متغیر است.

○ وضعیت همجنسگرایان ایرانی را چگونه ارزیابی می کنید؟ با وجود محدودیت های موجود علیه همجنسگرایان، چه راه هایی را برای بهتر شدن وضعیت پیشنهاد می کنید؟

- افتضاح. من فکر نمی کنم راهی وجود داشته باشد به غیر از اینکه فرهنگ ما تغییر کند. فضولی ها و غیبت ها و تفکرات بد باید از بین برود. زندگی هر شخص به خودش مربوط است.
- خیلی خیلی بد. تنها راه عوض شدن طرز تفکر مردم است.
- همجنسگرایان در ایران باید بروند و بمیرند. منظورم این است که آنقدر وضعیت بد است و زندگی برای همجنسگرایان سخت که مردن برای آنها راه بهتری است. این موضوع باید بطور عادی برای عام مطرح بشود. در این صورت بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.
- خیلی بد. برای مردم، مردن آنها با زنده بودنشان هیچ فرقی نمی کند. به نظر من دین اسلام باید عوض شود، چون این دین ماست که همجنسگرایی را گناه می داند.

○ به نظر شما سطح آگاهی مردم ایران از مسئله ی همجنسگرایی و نظر عامه ی آنان از یک فرد همجنسگرا چیست؟ آیا تا بحال در موقعیتی قرار گرفته اید که عکس العمل مردم را در برابر همجنسگرایی خود دیده باشید؟

- مردم ایران از همجنسگرایان، به خصوص زنان، تصویر دو زن با موهای طلایی و ناخن های بلند در حمام را دارند! آنها فکر می کنند لزبین ها هر روز با خود آرزو می کنند که ایکاش یک مرد طرف مقابل آنها بود، یا تصورشان این است که یک زن همجنسگرا آنقدر با مرد نزدیکی کرده که خسته شده و به زن کشش دارد. بله من برخورد داشتم. یک بار به قصد با ID: Lesbian girl به چت روم «دوستداران خدا» رفتم. در آنجا به شدت با من برخورد شد و حتی به من گفتند مگر تو خدا را می شناسی؟!

- مردم با شنیدن جمله ی لزبین، یاد فیلم های سکسی می افتند و اکثر آنها در مورد همجنسگرایی اطلاعات کافی ندارند، یعنی در واقع اصلا اطلاعات ندارند.

- سطح معلومات بسیار پایین است و به همین دلیل هم همجنسگرایان ناچارند به طور پنهان با هم زندگی کنند. عکس العمل خواهرم در مورد بحث همجنسگرایی کاملا عادی بود، اما فکر می کنم عکس العمل دیگران کاملا منفی باشد.

- شاید اگر بخواهیم خیلی خوش بینانه نگاه کنیم، فقط ۵۰٪ مردم از همجنسگرایی آگاهی داشته باشند - بقیه هم ما را به چشم یک زن خراب یا بسیار روانی نگاه می کنند.

○ آیا شما در فعالیت های اجتماعی مثل جنبش زنان یا حرکات اعتراضی دانشجویان هم شرکت می کنید؟ اگر جواب منفی هست توضیح بدهید که چرا؟

- در جنبش های دانشجویی زیاد شرکت کرده ام. ولی بحث فمینیسم را قبول ندارم و فکر می کنم که جنبش زنان این حس را القا می کند که حتما بین زن و مرد فرقی هست و من می خواهم آن را از بین ببرم. چرا ما جنبش مردان نداریم؟ زن و مرد از یک سرشت هستند و داشتن جنبش های جداگانه بیهوده است.

- خیر، چون در کشور ما هیچ جنبشی نتیجه نمی دهد و کسی به خواسته های این جنبش ها عمل نمی کند.

- این جنبش ها برای من جذابیتهای ندارد، چون هیچ کدام از آنها نتیجه ای ندارد.

- خیر، زیرا نه وقت دارم و نه حوصله، و در ضمن خیلی خوش بینانه خواهد بود که فکر کنیم این جنبش ها در این کشور نتیجه خواهد داد.

○ بعضی از لزبین ها فعالیت و تلاش در درون جنبش عام زنان را می پسندند و بعضی از آنها فعالیت در جنبش خاص همجنسگرایان را (به این دلیل که

لزومی به خود سانسوری ندارند، ترجیح می دهند. شما چه نظری دارید و کدام فعالیت را بیشتر می پسندید؟

- فعالیت با فعالیت فرقی ندارد و به کسی ربطی ندارد که من به مرد گرایش دارم یا به زن. مهم این است که فعالیت من نتیجه ی درست بدهد و من به عنوان یک عضو از جامعه نهایت تلاشم را برای رسیدن به نتیجه ی مطلوب می کنم.

- فکر می کنم زنان، چه لزیبن و چه غیر لزیبن، باید از حق خود دفاع کنند. من جنبش زنان را ترجیح می دهم.

- در هر دو گروه، زنان وجود دارند و میخواهند از حق خود دفاع کنند، پس فرق چندانی بین این دو گروه نیست.

- من جنبش خاص زنان همجنسگرا را ترجیح می دهم، زیرا من اصلا اهل سانسور نیستم.

○ تقریباً اکثر وبلاگ های همجنسگرایان ایرانی مال مردان است، چرا لزیبن ها وبلاگ نمی زنند؟ در حالی که دختران غیر همجنسگرای زیادی در ایران وبلاگ دارند.

- نداشتن پشت کار و کمبود حس ریسک.

- من اطلاع زیادی از وبلاگ های ایرانی ندارم.

- دختران اصولاً کمتر از پسران از کامپیوتر و اینترنت آگاهی دارند و در ضمن کمتر حس درگیری و مبارزه در آنها وجود دارد. آنها ترجیح می دهند سکوت کنند تا مورد اهانت قرار نگیرند.

- چون آنها می دانند که اگر بنویسند روزی وبلاگ آنها بسته خواهد شد!

○ آیا در اطراف خود همجنسگرایان دیگری (زن یا مرد) را نیز می شناسید؟ آیا با یکدیگر در ارتباط هستید؟ نحوه ی آشنایی شما با دوستان همجنسگرایتان چگونه بوده است؟ آیا لزیبن های تهرانی هم گردهمایی هایی دارند؟

- بله، من و گروه دوستان همگی همجنسگرا هستیم و با هم ارتباط دوستانه داریم. طریقه ی آشنایی ما بیشتر از طریق اینترنت و باشگاه های ورزشی بوده است. بله، با دیگر دوستان همجنسگرا گردهمایی هم داریم.

- بله، من هم دوستان گی و هم دوستان لزیبن دارم که البته تعداد لزیبن ها بیشتر است. دوستانم را بیشتر از طریق اینترنت و دیگر دوستان همجنسگرا میشناسم. البته مهمانی لزیبن ها بیشتر است تا گردهمایی آنها.

- بله می شناسم. همه زن هستند و با هم در ارتباط هستیم. هنگامی که با پارتنر خود آشنا شدم با بقیه دوستان او هم آشنا شدم.

- تقریباً تمام دوستان من همجنسگرا هستند. گروه دوستان ما هر از گاهی دورهمایی هایی را برگزار می کنند.

○ همانطور که می دانید در کشور ما محدودیت های بسیاری برای آشنایی همجنسگرایان وجود دارد. شما چه راه هایی را برای آشنایی و دوستی همجنسگرایان پیشنهاد می کنید؟ خود شما تا به حال چه راه هایی را امتحان کرده اید؟

- فقط از راه اینترنت و خصوصا سایت خانه ی دوست که البته فیلتر شده است. در بعضی مهمانی های خودی هم افراد جدیدی را می توان ملاقات کرد.

- اگر در ایران برای گی ها و لزیبن ها کلپ هایی وجود داشتند، مطمئنا دوست یابی ساده تر می شد، اما چون ما این امکان را نداریم باید به چت بسنده کنیم که اکثر آنها سر کاری هستند. به نظر من دوست یابی در ایران کار دشواری است.

- من راهی را انتخاب نکردم و دوستی و علاقه ای که بین من و بهترین دوستم بود باعث دوستی ما شد.

- فکر می کنم تنها راه موجود یا هو! چت باشد. اما من خودم نزدیک به شش سال هست که عاشقم و خودم را پایبند می دانم هیچ گاه دنبال دوست دیگری نبودم.

○ ماها یک ضمیمه نامه برای دوست یابی منتشر می کند ولی تا به حال فقط مردان و پسران همجنسگرا از این امکان برای دوست یابی استفاده کرده اند. فکر می کنید چرا دختران و زنان لزیبن در ضمیمه دوست یابی ماها آگهی آشنایی چاپ نمی کنند؟ آیا فکر نمی کنید که بهتر است لزیبن ها هم از این امکان بهره ببرند؟

- چون لزیبن ها هنوز اطلاعات کافی از روش دوست یابی این مجله ندارند و یا از اینکه به قول خودشون لو بروند می ترسند، و شاید هم خیلی از آنها هنوز فکر می کنند که کاری که آنها می کنند گناه است و می خواهند با حس خود مقابله کنند. ولی واقعیت این است که این راه بهترین و امن ترین راه برای دوست یابی همجنسگرایان است.

- به این دلیل که از موقعیت خود می ترسند. من در کل دیدم که دخترانی که در نت دنبال دوست می کردند معمولا فقط دنبال خوش گذرانی هستند ولی به هر حال این راه بهترین است.

- لزیبن ها باید توجیه بشوند که این راه برای آنها خطری ندارد و بیان کردن احساساتشان و گفتن آدرس الکترونیکی برای آنها مشکلی به وجود نمی آورد. فکر می کنم بهتر است در مجله از دخترهایی که مایل به دوست یابی هستند هم دعوت کنید. شاید آنها فکر می کنند این فقط یک ضمیمه ی مردانه است.

- چون لزیبن ها کمتر با مجله آشنا هستند و به هر حال آنها زن هستند و ترس زنانه آنها را از این کار باز می دارد!

○ به نظر شما یک زن ایده آل یا یک همسر چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟
 معیارهای شما برای انتخاب یک شریک همیشگی زندگی چیست؟ آیا اصلا داشتن یک شریک ثابت را ضروری می دانید؟ به طور کلی نظر شما در مورد عشق به همجنس چیست؟

- اخلاق خوب مهمترین معیار من است و اینکه از نظر فرهنگی تا حدود زیادی به هم بخوریم. کلا من معیار خاصی ندارم، چون دوست ندارم افراد را با قالب درون مغزم بسنجم. به نظر من عشق یک امر ۱۰۰٪ ضروری است. انسان حق عشق ورزیدن دارد، فراتر از جنسیت.

- خوش اخلاق و خوشگل باشد. با شعور باشد و مهمتر از همه تحصیلکرده! من کاملا با عشق موافق هستم، چه به همجنس و چه به غیر آن.

- افکار و علایق امان تا آنجا که امکان دارد شبیه به هم باشد دو طرف باید توانایی درک متقابل یکدیگر را داشته باشند تا بتوانند در کنار هم زندگی کنند. وجود عشق در زندگی یک نیاز است و باید در نظر گرفته شود.

- ایده آل در چشم من تنها عشق خودم هست و عشق من هم تنها یک نفر است. به نظر من عشق به همجنس یک عشق پاکه و حتی پاک تر از عشق به جنس مخالف.

○ در روابط جنسی خود پوزیشن خود را چگونه می دانید؟ آیا به لزوم فاعل و مفعول بودن زوجین اعتقاد دارید؟

- من چه در زندگی روزمره و چه در سکس فاعل هستم، البته نزدیکی و همبستر شدن همان $1+1=2$ نیست! یعنی نمی توان یک حکم کلی برای آن صادر کرد. مسلما کسی که مقابل من است کسی است که از مفعول بودن خود و فاعل بودن من لذت می برد.

- من فاعل هستم و فکر می کنم که طرف مقابل من باید با من فرق داشته باشد تا از وجود هم لذت ببریم.

- من به فاعل و مفعول بودن اعتقاد ندارم چون اگر فاعل و مفعول بودنی در کار است گرایش به جنس مخالف صحیح تر است. من *Versatile* هستم.

- فاعل. بله فاعل و مفعول بودن خواه نا خواه به وجود می آید. مثلا من از لمس کردن به مراتب بیشتر از لمس شدن لذت می برم.

○ آیا در حال حاضر با شخصی به عنوان دوست دختر یا پارتنر دوست هستید؟
 اگر جوابتان مثبت است از نحوه ی آشنایی خود بگویید! تا بحال تجربه های دیگری نیز داشته اید؟ آیا تا بحال عشق های بی فرجام را تجربه کرده اید؟

- بله دوست هستم. طریقه ی آشنایی ما نت بود. پیش از این هم تجربه های زیادی داشته ام و در میان آنها عشق بی فرجام نیز بوده است. در ۱۸ سالگی به مدت سه سال با خانمی دوست بودم که روزی فهمیدم ایشون شش ماه است که عقد کرده اند!

- خیر دوست نیستم، ولی همیشه دنبال یک دوست خوب بوده و هستم. به قول معروف ما توی آسمون یک ستاره هم نداریم. بله تجربه داشته ام، با یکی از دوستانم از دوران دبستان تا پایان راهنمایی دوست بودم ولی دوست من به خارج سفر کرد. در دوران کودکی دوستیمان را عشق می نامیدم اما حالا می بینم که شاید قسمت اعظم دوستی ما از روی هوس بود!

- بله، با یک عزیز دل دوستم. قبل از این تمام تجربه های من در قالب احساسات دوران بلوغم بوده که تماما نا پایدار بوده اند. نحوه ی آشنایی ما کاملا عادی بود. رفت و آمد عادی با دوستان و انتخاب یک نفر به عنوان بهترین برای خود.

- بله تقریبا! داستان عشق من بسیار طولانی است و از یک عشق معلم و شاگرد نشأت می گیرد. پیش از این هم تجربه های زیادی داشته ام که به دلیل علاقه ی من به خانم های سن بالا، تمام آنها حداقل ۲۰ سال با من اختلاف سنی داشته اند.

○ اهداف بلند مدت شما در آینده چیست؟ آیا همجنسگرایی شما در هدف هایتان تاثیر گذاشته است؟ آیا هدفی هست که آن را صرفا به دلیل همجنسگرا بودن خود دنبال کنید؟

- استقلال و یافتن آرامش. بله، مسلما تاثیر گذاشته است، چون من باید تامین کننده ی نیازهای یک نفر دیگر به غیر از خودم هم باشم. جدایی از پدر و مادر و ایجاد زندگی برای دو نفر هدف هایی هستند که صرفا به دلیل همجنسگرا بودن دنبال می کنم.

- نمی توانم بگویم گرایشم در هدف هایم بی تاثیر بوده است. هدف بزرگ من یافتن یک شریک زندگی و زندگی مسالمت آمیز و با عشق با او است. در این راه باید از استقلال اقتصادی لازم برخوردار باشم.

- هدف های من مانند هدف تمامی انسان ها در آخر رسیدن من به سعادت و آرامش است. اما تاثیر گرایش من، اول احساس بودن یک شریک همیشگی در زندگی است که باعث دلگرمی من می شود و بزرگترین هدفم خروج از کشور است تا آنجا بتوانم آزادانه با پارتنرم زندگی کنم.
- زندگی کردن با عشقم به راحتی و دور از حرف مردم.

○ برای ارتقاء فرهنگ جنسی جامعه و بهتر شدن موقعیت و وضعیت همجنسگرایان خود شما چکار کرده و می کنید؟ و آیا مایل به شرکت فعالتر هستید؟

- عوض کردن فرهنگ گل و بلبل کار مشکلی است. تنها فعالیتی که من می توانم بکنم این است که به آدمها نشان دهم که من آزادم و تا جایی که چارچوب شخصی و آزادی فردی آنها را تحت تاثیر قرار ندهم آنها حق ندارند در گرایش من، عشق من، زندگی من و آینده ی من و یا هر آدم دیگری دخالت کنند. اولین قدم آنست که فضولی اجتماع را کم کنیم.

- هر کس از من در مورد گرایش من سوال کند، من به آنها خواهم گفت که همجنسگرا هستم، چون خودم را انسان آزادی می دانم. هر کاری که از دست من بر بیاید و به تخصص من بخورد با کمال میل انجام می دهم.

- فعلا کاری نکرده ام چون از یک سال پیش متوجه احساس خود به همجنس شدم، ولی مایلیم که در فعالیت های همجنسگرایان شرکت کنیم.

- به هر حال همجنسگرایان اقلیت هستند و به این دلیل نمی توانیم با وضعیت فعلی در فعالیت ها زیاده روی کنیم. جدا از این، در دین اسلام ما جزو کافران هستیم و نمی توانیم سر بلند کنیم. چه برسد به جنبش!

○ با تشکر از شرکت شما در این گفتگو. اگر صحبتی برای دیگر لژیین های کشور و کلا همجنسگرایان دارید بفرمایید.

- من اگر بنشینم... تو اگر بنشینی... چه کسی برخیزد!
ما آزادیم که عشق بورزیم... آزادیم که دوست داشته باشیم. ما تا جایی آزادیم که آزادی دیگران را سلب نکنیم. عشق ورزیدن به کسی که این عشق را قبول می کند، به هیچ کس با هر عنوانی ربط پیدا نمی کند. ما نه مریض هستیم و نه بیمار روانی... انسانها آزاد آفریده شده اند و آزادند که خود انتخاب کنند.

- برای تمام همجنسگرایان دنیا آرزوی خوشبختی و موفقیت می کنم.
- امیدوارم روزی برسد که روابط ما مانند روابط دیگر سنجیده شود و مشکلی برایمان وجود نداشته باشد.

- برای همه ی همجنسگرایان آرزوی سرافرازی می کنم. ما خلاف نمی کنیم پس نمی ترسیم!

ماهها، مجله الکترونیکی همجنسگرایان ایران

برای بیان نظرات و پیشنهادات خود، و یا ارسال مطلب، عکس، نقد، و همینطور برای اشتراک «ماهها»، از آدرس پستی زیر استفاده کنید:

majaleh_maha@yahoo.com